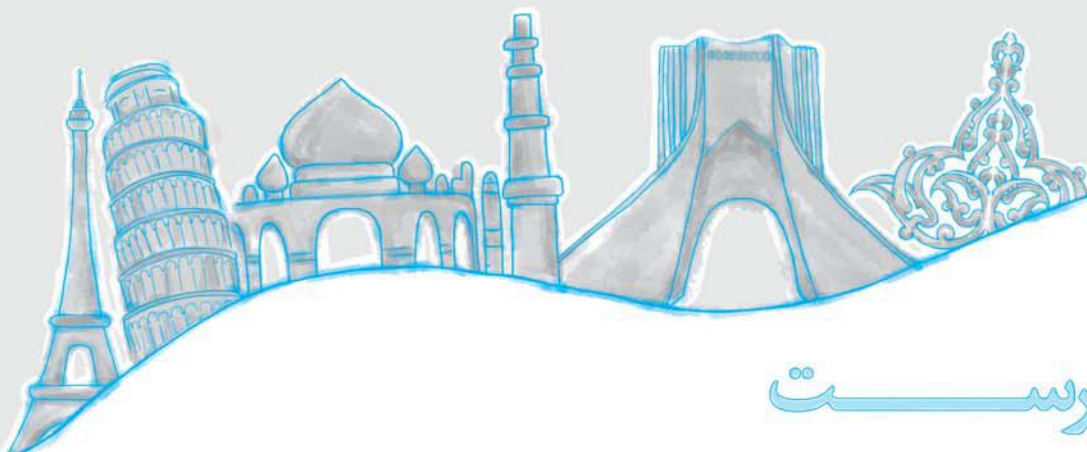
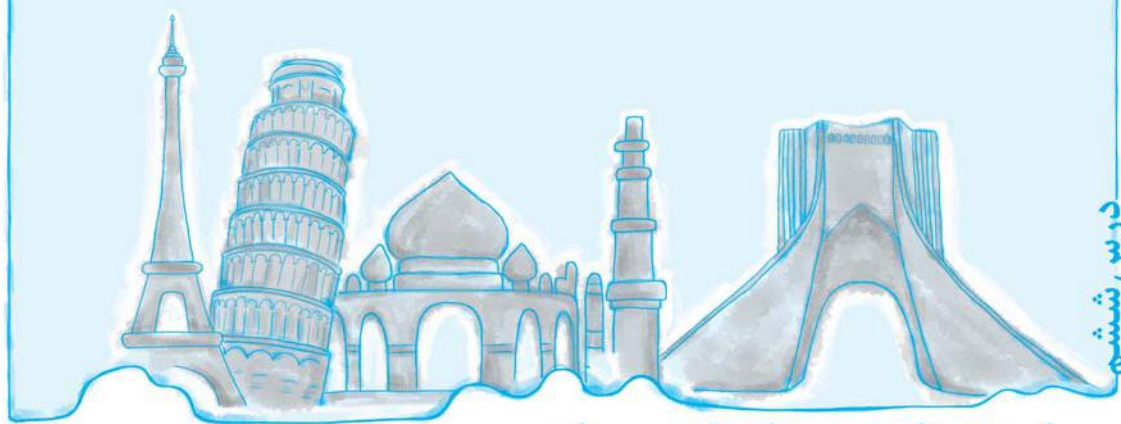




فهرست

درس نامه ها	تست ها
درس اول: گنجش های ما	۵۲
درس دوم: پدیده های اجتماعی	۵۳
درس سوم: جهان اجتماعی	۵۶
درس چهارم: اجزا و لایه های جهان اجتماعی	۵۹
درس پنجم: جهان های اجتماعی	۶۲
درس ششم: پیامدهای جهان اجتماعی	۶۶
درس هفتم: ارزیابی جهان های اجتماعی	۷۰
درس هشتم: هویت	۷۴
درس نهم: بازتولید هویت اجتماعی	۷۸
درس دهم: تغییرات هویت اجتماعی	۸۰
درس یازدهم: تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل درونی)	۸۴
درس دوازدهم: تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل بیرونی)	۸۸
درس سیزدهم: هویت ایرانی (۱)	۹۳
درس چهاردهم: هویت ایرانی (۲) (درس آزاد)	
درس پانزدهم: هویت ایرانی (۳)	۹۶
درس شانزدهم: هویت ایرانی (۴)	۹۹
آزمون های جامع	۱۰۴
پاسخ نامه تشریحی	۱۱۵
پاسخ نامه کلیدی	۱۴۲



پیامدهای جهان اجتماعی (دره‌ایی که جهان اجتماعی به روی مامی گشاید و دره‌ایی که می بندد)

مقدمه

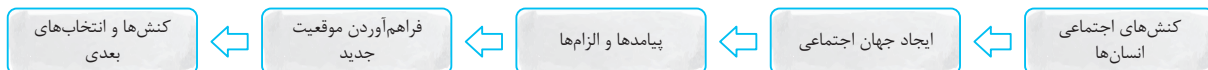
- انسان‌ها با آگاهی و اراده خود به کنش اجتماعی می‌پردازند و با همین کنش‌ها در ساختن جهان اجتماعی و تداوم آن مشارکت می‌کنند، اما این به آن معنا نیست که ما همواره می‌توانیم هرگونه که بخواهیم جهان اجتماعی را بسازیم یا تغییر دهیم.
- بیت «دگران کاشتند و ما خوردیم / ما بکاریم و دیگران بخورند» بیانگر سهم گذشتگان و آیندگان در ساختن جهان اجتماعی است.
- یکی از جامعه‌شناسان گفته است سهم مردگان در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از سهم زندگان است؛ یعنی سهم پیشینیان ما در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از ماست، هم‌چنان که سهم ما در ساختن جهان آیندگان بیش از آن‌هاست.

سؤال‌های اساسی درس

- (۱) آیا جهان اجتماعی صرفاً تابع خواست و اراده افراد است؟
- (۲) پیامدهای جهان اجتماعی فرصت‌اند یا محدودیت؟
- (۳) فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متجدد کدام‌اند؟

آیا جهان اجتماعی صرفاً تابع خواست و اراده افراد است؟

جهان اجتماعی با آگاهی و اراده افراد انسانی پدید می‌آید، ولی این پدیده (جهان اجتماعی)، پس از آن‌که با کنش انسان تحقق پیدا کرد، پیامدها و الزام‌هایی را به دنبال می‌آورد که وابسته به قرارداد و اراده تک افراد نیست.^۱ این پیامدها خود موقعیت جدیدی (فرصت‌ها و محدودیت‌ها) را برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی ما فراهم می‌آورد.



مواجهه ما با جهانی که توسط گذشتگان پدید آمده است

ما انسان‌ها در جهانی دیده می‌گشاییم (به دنیا می‌آییم) که توسط گذشتگان ما پدید آمده است، جهانی که باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن شکل گرفته‌اند و به فعالیت اجتماعی ما شکل می‌دهند؛ اما هر یک از ما در برابر نتایج کنش گذشتگان صرفاً کنش‌گری منفعل و مجبور نیستیم، بلکه می‌توانیم:

- یا در جهت تداوم، گسترش و پیشرفت این جهان حرکت کنیم.
- یا در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدیدی گام برداریم.



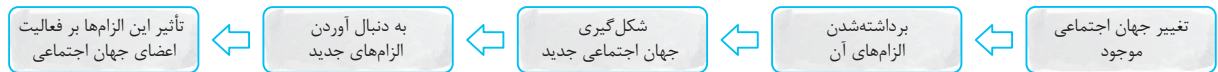
نکته ساختن جهان اجتماعی جدید نیازمند پیدایش و گسترش آگاهی و اراده‌ای نوین است و ممکن است جهان موجود از بسط آن جلوگیری کند.

پرسش پیامدهای هر جهان اجتماعی تا چه زمانی باقی می‌ماند؟

پاسخ هر جهان اجتماعی تا زمانی که از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، پیامدهای آن نیز باقی است. با تغییر جهان اجتماعی موجود و در پی آن برداشته شدن الزام‌هایش، جهان اجتماعی جدیدی شکل می‌گیرد و الزام‌های دیگری به دنبال می‌آورد که بر فعالیت اجتماعی اعضای آن تأثیر می‌گذارد.

۱- البته این موضوع در مورد همه پدیده‌های جهان اجتماعی نیز مصداق دارد؛ مثلاً فناوری‌های رسانه‌ای ساخته دست انسان‌هاست، اما همین فناوری‌ها الزام‌ها و پیامدهایی دارند که دیگر وابسته به اراده ما نیست و رفتار و زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

مثال در جهان اجتماعی جاهلی شبه جزیره عربستان تا زمانی که مردم به این جهان وفادار بودند و در آن مشارکت می کردند، پیامدها و الزامهای آن باقی بود، ولی با ظهور اسلام، الزامهای جدیدی شکل گرفت که بر کنشهای اعضای این جهان تأثیر گذاشت.



پیامدهای جهان اجتماعی فرصت اند یا محدودیت؟

- جهان اجتماعی در قالب فرصت ها و محدودیت ها (یا همان بایدها و نبایدها) تحقق می یابد و این فرصت ها و محدودیت ها به صورت حقوق و تکالیف افراد ظاهر می شوند. حقوق و تکالیف به یکدیگر وابسته اند و هیچ کدام بدون دیگری محقق نمی شوند.
- بخش های مختلف جهان اجتماعی، فرصت ها و محدودیت هایی دارند. فرصت ها و محدودیت ها به یکدیگر وابسته اند و هیچ کدام بدون دیگری محقق نمی شوند. به عبارت دیگر، فرصت ها و محدودیت ها دو روی یک سکه اند.
- هر جهان اجتماعی براساس عقاید و ارزش های خود، افق ها و ظرفیت های جدیدی برای انسان فراهم می کند و ممکن است ظرفیت ها و توانمندی های دیگر بشر را نادیده بگیرد.

مثال ۱ انسان ها قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را وضع می کنند. اجرای این مقررات برای رانندگان و عابران محدودیت هایی پدید می آورد، ولی عمل کردن به این مقررات، فرصت رفت و آمد ایمن و سریع را نیز به دنبال دارد.

مثال ۲ زبانی که مردم یک جامعه با آن صحبت می کنند، دستور و قواعد پیچیده ای دارد. مردمی که با آن سخن می گویند باید قواعدش را بیاموزند و در چارچوب آن حرف بزنند. آن ها نمی توانند هرگونه که دلشان بخواهد صداها، حرف ها، کلمات و جملات را به کار ببرند. با این حال همین محدودیت ها، فرصت ارتباط با هم زبانان و مبادله معانی پیچیده را فراهم می آورد.

نظم اجتماعی، فرصت یا محدودیت؟

همه ما انسان ها حتی محروم ترین افراد (اگرچه به صورت نابرابر) از جهان اجتماعی و نظم اجتماعی حاصل از آن فوایدی به دست می آوریم. هر کدام از این فواید هزینه ای در بر دارد؛ مثلاً فایده حرکت منظم اتومبیل ها این است که می توانیم در حد معقولی مطمئن باشیم که در خیابان های شهر، اتومبیل ها در جهت معین شده حرکت می کنند. هزینه اش نیز این است که ما نمی توانیم هر طور که بخواهیم رانندگی کنیم یا امنیتی که ما از آن برخورداریم، فایده اش این است که در خیابان مورد هجوم قرار نمی گیریم و هزینه اش این است که نمی توانیم هرگاه هوس کردیم به دیگران حمله کنیم.

نکته البته به این موضوع توجه کنید که نظم اجتماعی، ما را از آزادی محروم نمی کند، بلکه اتفاقاً آزادی ما تنها با وجود نظم امکان پذیر می شود. رابطه نظم و آزادی از پیامدهای الزامی هر جهان اجتماعی است.

بخوانیم و بدانیم در بخش بخوانیم و بدانیم این درس، پیرامون عنکبوت و مقاومت تارهای آن و استفاده از این تارها در ساختن برخی وسایل توسط انسان اشاره ای شده است. هم چنین شرح کوتاهی در مورد آیه ۴۱ سوره عنکبوت و سستی خانه عنکبوت از نظر قرآن داده شده است. در انتهای این بخش نیز آمده است: خدا زندگی انسان هایی را که غیر خدا را به دوستی و سرپرستی می گیرند، همچون کسانی می داند که به خانه سستی همچون خانه عنکبوت پناه برده اند. (توضیحات بیشتر را می توانید در کتاب درسی بخوانید.)

ارزیابی جهان های اجتماعی براساس فرصت ها و محدودیت های آن

جهان های اجتماعی مختلف را می توان براساس آرمان ها و ارزش های آن ها و نیز فرصت ها و محدودیت هایی که به دنبال می آورند، ارزیابی کرد:

- برخی از جهان های اجتماعی، استعدادها و سرمایه های معنوی انسان را نادیده می گیرند یا فرصت شکوفایی فطرت آدمی را فراهم نمی آورند. (جهان های اجتماعی سکولار)

- برخی از جهان های اجتماعی، مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می شوند و نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان بی توجه هستند و با رویکرد دنیاگریز خود از توانمندی های آدمی برای آباد کردن این جهان استفاده نمی کنند.^۱ (جهان های اجتماعی دنیاگریز)

تقسیم بندی جهان های اجتماعی براساس فرهنگ آن ها

جهان های اجتماعی را براساس فرهنگ آن ها به دو نوع دنیوی و معنوی تقسیم می کنند.

جهان های اجتماعی دنیوی و معنوی

جهان اجتماعی دنیوی	■ جهان اجتماعی دنیوی دارای فرهنگ دنیوی است. به فرهنگ دنیوی «فرهنگ سکولار» نیز می گویند. ■ فرهنگ سکولار، فرهنگی است که عقاید و ارزش های آن مربوط به همین جهان است. ■ در فرهنگ سکولار، جهان دیگر انکار می شود یا در محدوده منافی که برای خواسته های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می شود. ■ جهان دنیوی همه ظرفیت ها و استعدادها را در خدمت دنیا به کار می گیرد و ظرفیت ها و خواسته های معنوی انسان ها را به فراموشی می سپارد.
جهان اجتماعی معنوی	■ جهان اجتماعی معنوی، فرهنگ معنوی دارد. ■ فرهنگ معنوی، هستی را فراتر از طبیعت می بیند و زندگی این جهان را در سایه حیات زندگی برتر، مقدس و متعالی می گرداند. ■ انسان در این فرهنگ از محدوده مرزهای این جهان عبور کرده و چهره های آسمانی و ملکوتی پیدا می کند.

۱- پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «زمین با انسان، انسان با روح، روح با عقل، عقل با علم، علم با عمل و عمل با اخلاص، حیات می یابد.» (این حدیث، بیانگر توجه جهان اجتماعی اسلام به تمام ابعاد وجودی انسان است.)

جهان معنوی بر دو نوع است:

- ۱- توحیدی: فرهنگ اسلام و انبیای الهی که تفسیر توحیدی و الهی از انسان ارائه می‌دهند، فرهنگ جهان توحیدی است.
- ۲- اساطیری: جهان اساطیری، فرهنگ اساطیری دارد که به خداوندگاران و قدرت‌های فوق طبیعی قائل است، این فرهنگ، محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی است.

جهان‌های دنیوی و معنوی چه تصویری از طبیعت دارند و چگونه با آن تعامل می‌کنند؟

جهان اجتماعی دنیوی و سکولار	در جهان اجتماعی دنیوی، طبیعت هیچ‌گونه معنا، هدف و غایتی ندارد و صرفاً ماده خامی در اختیار انسان است که می‌تواند به میل خود در آن دخل و تصرف کند. مثال بهره‌وری‌های بی‌نظیر کنونی و بحران‌های زیست‌محیطی کنونی در دنیا محصول همین دیدگاه است.
جهان اساطیری	جهان اساطیری، طبیعت را قلمرو قدرت‌های فوق طبیعی و محصور رازها و افسون‌های آن‌ها می‌بیند و با طرد دانش ابزاری متناظر با طبیعت، ^۱ امکان بهره‌وری معقول انسان از طبیعت را دور از دسترس می‌سازد. مثال منع انسان از تناول (خوردن) گیاهان و حیوانات، نمونه‌ای از این محدودیت‌هاست.
جهان توحیدی	در جهان توحیدی، طبیعت موجودی زنده و آیت و نشانه خداوند حکیم است و به خواست او مسخر (تحت سلطه و در اختیار) انسان است. انسان خلیفه الهی و مسئول عمران و آبادانی طبیعت است. تصرفات انسان در طبیعت، مقید به اراده حکیمانه الهی است. (یعنی انسان بدون اجازه خداوند حق تصرف در طبیعت را ندارد.)

فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متجدد کدام‌اند؟

منظور از جهان متجدد، غرب بعد از رنسانس، یعنی جهان غرب چهارصد سال اخیر است. اندیشمندان مختلف به ویژگی‌های این جهان اجتماعی و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که جهان برای بشریت به وجود آورده است، پرداخته‌اند. یکی از متفکرانی که درباره ویژگی‌های جهان متجدد اندیشیده ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی است. او فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای این جهان اجتماعی برمی‌شمارد.

ویژگی‌های جهان متجدد از نظر ماکس وبر

رویکرد دنیوی و این جهانی	جهان متجدد، رویکرد دنیوی و این جهانی دارد و در جهت برخورداری از زندگی دنیوی و تسلط انسان بر این عالم گام برمی‌دارد.
بسط و توسعه عقلانیت ابزاری (گسترش دانش وسایل)	- در جهان اجتماعی متجدد، آدمیان متوجه اهداف دنیوی‌اند و برای رسیدن به این اهداف از علوم تجربی استفاده می‌کنند. - رشد علوم تجربی و فناوری حاصل از آن برای تسلط بر طبیعت و جامعه را «گسترش عقلانیت ابزاری» می‌گویند. - علوم تجربی با روش تجربی و فناوری حاصل از آن، قدرت پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث و مسائل طبیعی، همانند بیماری، زلزله، سیل و ... و مسلط‌شدن بر آن‌ها را به انسان می‌دهد. - قوت افرنگ از علم و فن است از همین آتش، چراغش روشن است (اقبال لاهوری)
غلبه کنش‌های عقلانی معطوف به هدف (تعقیب اهداف دنیوی)	- در جهان متجدد، کنش‌هایی که اهداف دنیوی را به وسیله علوم تجربی تعقیب می‌کنند^۲ به شدت رواج می‌یابند. - رواج کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا، عرصه را بر سایر کنش‌های انسانی مانند کنش‌های عاطفی و اخلاقی تنگ می‌کند.^۳
اسارت انسان در قفس آهنین یا نظام اجتماعی پیچیده	رواج کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا و عدم توجه به کنش‌های اخلاقی و عاطفی به تدریج انسان‌ها را اسیر نظام اجتماعی پیچیده‌ای می‌سازد که مثل قفس آهنین، همه ابعاد وجود آنان را احاطه می‌کند و فرصت‌هایی از این قفس خودساخته را از آنان می‌گیرد. از این روند به از دست رفتن اراده و آزادی انسان‌ها یاد می‌شود.
طرد عناصر معنوی و مقدس	- در جهان متجدد، عناصر معنوی و مقدس طرد می‌شوند. - جهان صرفاً از مواد و موجودات خامی ساخته شده است که همه در اختیار و کنترل بشرند، به وسیله او به کار گرفته می‌شوند، دگرگون می‌شوند، به مصرف می‌رسند و هیچ‌گونه قداستی ندارند. - در نگاهش آدمی آب و گل است کاروان زندگی بی‌منزل است (اقبال لاهوری)
زوال عقلانیت ذاتی (از دست رفتن دانش اهداف و ارزش‌ها)	- جهان متجدد فقط علوم را که با روش‌های تجربی به دست می‌آیند، علم می‌داند و علوم را که از روش‌های فراتجربی (عقلانی و وحیانی) استفاده می‌کنند، علم نمی‌شناسد. - با افول (نابودی و زوال) علوم فراتجربی، امکان ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری (که پدیده‌های فراتجربی‌اند و با علوم تجربی قابل مطالعه نیستند) از دست می‌رود و داوری درباره این امور به تمایلات افراد و گروه‌های متفرق سپرده می‌شود. از این روند به زوال معنا و زوال عقلانیت ذاتی یاد می‌شود.

نکته در فیلم عصر جدید چارلی چاپلین، تصویری از انسان معاصر ارائه می‌شود.

- ۱- برای شناخت طبیعت از روش حسی و تجربی یا دانش ابزاری استفاده می‌شود. با روش حسی و تجربی قبلاً در دبستان و در دوره متوسطه^۱ (در درس علوم) آشنا شدید.
- ۲- مانند استفاده از حسابداری و اقتصاد برای تخمین سود در بنگاه‌های اقتصادی یا استفاده از علوم مهندسی برای ساختن پل، جاده و ...
- ۳- ماکس وبر کنش اجتماعی را به چهار دسته تقسیم می‌کند: کنش عاطفی (محبت مادر به فرزند)، کنش سنتی (برگزاری مراسم عید نوروز)، کنش عقلانی معطوف به ارزش (جان‌دادن در راه دفاع از میهن) و کنش عقلانی معطوف به هدف دنیوی (تجارت و کسب سود). (توضیح بیشتر مطلب)

۱۱۱- کدام عبارت در رابطه با ساخت جهان اجتماعی و پیامد آن درست نیست؟

- (۱) انسان‌ها با کنش‌های آگاهانه و ارادی خود در ساختن جهان اجتماعی و تداوم آن مشارکت می‌کنند.
 - (۲) ما همواره می‌توانیم هرگونه که بخواهیم جهان اجتماعی را بسازیم یا تغییر دهیم.
 - (۳) جهان اجتماعی پیامدهایی دارد که بر اراده و فعالیت‌های ما تأثیر می‌گذارد.
 - (۴) سهم پیشینیان ما در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از ماست، هم‌چنان که سهم ما در ساختن جهان آیندگان بیش از آن‌هاست.
- ۱۱۲- پیامدهای جهان اجتماعی چه تأثیری بر کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی انسان دارد؟ انسان در برابر جهان اجتماعی که توسط گذشتگان پدید آمده است، می‌تواند چه نوع مواجهه‌ای داشته باشد؟

- (۱) فراهم کردن حقوق و تکالیف جدید - نمی‌تواند تغییراتی در جهان اجتماعی ایجاد کند، زیرا جهان موجود مانع آن می‌شود.
- (۲) ایجاد موقعیت جدید - صرفاً کنشگری منفعل و مجبور است و نمی‌تواند کاری انجام دهد.
- (۳) منفعل و مجبور ساختن انسان - می‌تواند در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدیدی گام بردارد.
- (۴) فراهم کردن فرصت‌ها و محدودیت‌ها - می‌تواند در جهت تداوم، گسترش و پیشرفت این جهان حرکت کند.

۱۱۳- به ترتیب، هر یک از موارد زیر ناشی از چیست؟

- پابرجا بودن جهان اجتماعی
- ساختن جهان اجتماعی جدید

- فراهم آمدن موقعیت‌های جدید برای کنش‌های بعدی انسان

- (۱) نقش گذشتگان در شکل‌گیری این جهان - استفاده انسان از فرصت‌ها و محدودیت‌ها - مشارکت اجتماعی افراد
 - (۲) قواعد و الزام‌های اجتماعی - پایبند بودن افراد به حقوق و تکالیف خود - تغییر جهان اجتماعی موجود
 - (۳) مشارکت اجتماعی افراد - پیدایش و گسترش آگاهی و اراده‌ای جدید - پیامدها و الزام‌های جهان اجتماعی موجود
 - (۴) پایبند بودن افراد جامعه به حقوق و تکالیف خود - مشارکت اجتماعی افراد - کنش‌های آگاهانه و ارادی انسان
- ۱۱۴- جهان اجتماعی در قالب چه عواملی تحقق می‌یابد؟ منظور از جهان متجدد، چه جهانی است؟ کدام متفکر فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متجدد را مطرح کرده است؟

- (۱) فرصت‌ها و محدودیت‌ها - غرب بعد از رنسانس - ماکس وبر
 - (۲) حقوق و تکالیف - جهان غرب بعد از قرون وسطی - کارل مارکس
 - (۳) بایدها و نبایدها - جهان غرب دو قرن اخیر - ماکس وبر
 - (۴) پیامدها و الزام‌ها - جهان غرب بعد از انقلاب صنعتی و انقلاب فرانسه - کارل مارکس
- ۱۱۵- به ترتیب، پاسخ سؤال‌های زیر در کدام گزینه آمده است؟

- جهان‌های اجتماعی را براساس فرهنگ آن‌ها به چند نوع تقسیم می‌کنند؟
 - خداوند، زندگی چه کسانی را مشابه پناه‌بردن به خانه سست عنکبوت می‌داند؟
 - رابطه دوسویه کدام پدیده‌های اجتماعی از پیامدهای الزامی هر جهان اجتماعی است؟
- (۱) توحیدی و اساطیری - کسانی که جهان دیگر را انکار می‌کنند - فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی
 - (۲) سکولار و معنوی - کسانی که ظرفیت‌ها و خواسته‌های دنیوی و معنوی خود را نادیده می‌گیرند - حقوق و تکالیف افراد
 - (۳) دنیوی و دنیاگیز - انسان‌هایی که هستی را فراتر از طبیعت نمی‌بینند - بایدها و نبایدهای اجتماعی
 - (۴) دنیوی و معنوی - انسان‌هایی که غیر خدا را به دوستی و سرپرستی گرفتند - نظم و آزادی

۱۱۶- به ترتیب، هر یک از جهان‌های اجتماعی زیر چه پیامدی دارد؟

- جهان اجتماعی دنیاگرایز

- جهان اجتماعی دنیوی

- جهان اساطیری

(۱) عدم تأمین نیازهای مادی و دنیوی انسان - عدم استفاده از توانمندی‌های آدمی برای آبادکردن این جهان - نادیده گرفتن استعدادها و سرمایه‌های معنوی انسان
(۲) عدم استفاده از توانمندی‌های آدمی برای آبادکردن این جهان - فراهم‌نکردن فرصت شکوفایی فطرت آدمی - دور از دسترس ساختن امکان بهره‌وری معقول انسان از طبیعت

(۳) نادیده گرفتن استعدادها و سرمایه‌های معنوی انسان - دور از دسترس ساختن امکان بهره‌وری معقول انسان از طبیعت - طرد دانش ابزاری متناظر با طبیعت
(۴) دور از دسترس ساختن امکان بهره‌وری معقول انسان از طبیعت - فراهم‌نکردن فرصت شکوفایی فطرت آدمی - فراموش کردن ظرفیت‌ها و خواسته‌های معنوی انسان‌ها

۱۱۷- به ترتیب، جهان‌های اجتماعی «اساطیری، توحیدی و دنیوی» چه تصویری از طبیعت دارند و چگونه با آن تعامل می‌کنند؟

(۱) طبیعت هیچ‌گونه معنا، هدف و غایتی ندارد - طبیعت موجودی زنده و آیت و نشانه خداوند حکیم است - دانش‌های ابزاری متناظر با طبیعت را طرد می‌کند.
(۲) طبیعت را قلمرو قدرت‌های فوق طبیعی و محصور رازها و افسون‌های آن‌ها می‌بیند - طبیعت صرفاً ماده خامی در اختیار انسان است - انسان می‌تواند به میل خود در طبیعت دخل و تصرف کند.

(۳) امکان بهره‌وری معقول انسان از طبیعت را دور از دسترس می‌سازد - انسان مسئول عمران و آبادانی طبیعت است - بهره‌وری‌های بی‌نظیر و بحران‌های زیست‌محیطی کنونی در دنیا محصول همین دیدگاه است.

(۴) انسان مسئول عمران و آبادانی طبیعت است - طبیعت را قلمرو قدرت‌های فوق طبیعی و محصور رازها و افسون‌های آن‌ها می‌بیند - طبیعت موجودی زنده و آیت و نشانه خداوند است.

۱۱۸- عبارت‌های کدام گزینه به ترتیب، در مورد ویژگی‌های جهان اجتماعی دنیاگرایز درست نیست؟ اما در رابطه با ویژگی‌های جهان اجتماعی دنیوی درست است؟

(۱) استعدادها و سرمایه‌های معنوی انسان را نادیده می‌گیرند - از توانمندی‌های آدمی برای آبادکردن این جهان استفاده نمی‌کنند.

(۲) محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی است - به ظرفیت‌ها و خواسته‌های معنوی انسان توجه می‌کند.

(۳) مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می‌شوند - نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان بی‌توجه هستند.

(۴) فرصت شکوفایی فطرت آدمی را فراهم نمی‌آورند - عقاید و ارزش‌های آن مربوط به همین جهان است.

۱۱۹- فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی به صورت و ظاهر می‌شوند. فرهنگ به قدرت‌های فوق طبیعی قائل است و منع انسان از تناول و خوردن گیاهان و حیوانات نمونه‌ای از محدودیت‌های فرهنگ است.

(۱) حقوق - تکالیف - اساطیری - اساطیری

(۲) باید‌ها - نباید‌ها - دنیاگرایز - دنیوی

(۳) پیامدها - الزام‌ها - معنوی - دنیاگرایز

(۴) ارزش‌ها - هنجارها - اساطیری - معنوی

۱۲۰- همه گزینه‌ها مربوط به ویژگی‌های جهان اجتماعی دنیوی هستند، به جز گزینه

(۱) در جهان اجتماعی دنیوی، به دانش ابزاری متناظر با طبیعت توجه می‌شود و امکان بهره‌وری انسان از طبیعت وجود دارد.

(۲) در جهان سکولار، از توانمندی‌های آدمی برای آبادکردن این جهان استفاده نمی‌شود و فرصت شکوفایی فطرت آدمی فراهم نمی‌شود.

(۳) در فرهنگ سکولار، جهان دیگر انکار می‌شود یا در محدوده منافعی که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود.

(۴) جهان دنیوی همه ظرفیت‌ها و استعدادهای انسان را در خدمت دنیا به کار می‌گیرد و ظرفیت‌ها و خواسته‌های معنوی انسان‌ها را به فراموشی می‌سپارد.

۱۲۱- به ترتیب، هر یک از ویژگی‌های زیر مربوط به کدام فرهنگ است؟

- پذیرش جهان دیگر در محدوده منافع این جهانی

- قراردادن زندگی این جهان در سایه حیات برتر

- بهره‌وری‌های بی‌نظیر کنونی از طبیعت، محصول این فرهنگ است.

- ممانعت از بسط ابعاد دنیوی وجود انسان

(۱) اساطیری - معنوی - دنیاگرایز - اساطیری

(۲) دنیوی - توحیدی - سکولار - توحیدی

(۳) سکولار - معنوی - دنیوی - دنیاگرایز

(۴) اساطیری - اساطیری - دنیوی - معنوی

۱۲۲- در کدام گزینه همه عبارت‌ها مربوط به ویژگی‌های جهان اجتماعی اساطیری است؟

(۱) طبیعت را قلمرو قدرت‌های فوق طبیعی و محصور رازها و افسون‌های آن‌ها می‌بیند - جهان دیگر انکار می‌شود - از خوردن گیاهان و حیوانات جلوگیری می‌شود - طبیعت را ماده خامی در اختیار انسان‌ها می‌داند.

(۲) دانش ابزاری متناظر با طبیعت را طرد می‌سازد - تفسیری توحیدی و الهی از انسان ارائه می‌دهد - انسان در این فرهنگ از محدوده مرزهای این جهان عبور می‌کند - طبیعت هیچ‌گونه معنا، هدف و غایتی ندارد.

(۳) امکان بهره‌وری معقول انسان از طبیعت را دور از دسترس می‌سازد - انسان در این فرهنگ، چهره‌ای آسمانی و ملکوتی پیدا می‌کند - انسان می‌تواند به میل خود در طبیعت دخل و تصرف کند - جهان دیگر در محدوده منافعی که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود.

(۴) هستی را فراتر از طبیعت می‌بیند - قائل به خداوندگاران و قدرت‌های فوق طبیعی است - محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی است - دانش ابزاری متناظر با طبیعت را طرد می‌سازد.

۱۲۳- به ترتیب در کدام جهان‌های اجتماعی یا فرهنگ‌ها «انسان‌ها بهره‌چندانی از طبیعت نمی‌برند؟»، «ابعاد دنیوی وجود انسان، بسط نمی‌یابد؟» و «بحران‌های زیست‌محیطی افزایش می‌یابد؟»

- (۱) اساطیری - دنیاگریز - دنیوی
(۲) دنیاگریز - اساطیری - دنیاگریز
(۳) سکولار - معنوی - اساطیری
(۴) معنوی - اساطیری - سکولار

۱۲۴- به ترتیب، صحیح یا غلط بودن عبارتهای زیر را مشخص کنید.

- پیامدها و الزام‌های جهان اجتماعی وابسته به قرارداد و اراده انسان‌هاست.
- نظم اجتماعی، انسان‌ها را از آزادی محروم نمی‌کند، بلکه تنها با وجود نظم اجتماعی، آزادی آن‌ها امکان‌پذیر می‌شود.
- در جهان توحیدی، انسان اجازه دخل و تصرف در طبیعت را ندارد.
- فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شود.

- (۱) غ - غ - ص - غ
(۲) غ - ص - غ - ص
(۳) ص - ص - غ - ص
(۴) ص - غ - غ - ص

۱۲۵- چرا در جهان اساطیری، امکان استفاده معقول از طبیعت کم است؟ منظور از فرهنگ سکولار چه نوع فرهنگی است؟ در چه صورتی، انسان هرگونه بخواهد می‌تواند در طبیعت دخل و تصرف کند؟

- (۱) به علت عدم رشد و توسعه علوم تجربی و فناوری حاصل از آن - فرهنگی که به نیازهای دنیوی و معنوی انسان‌ها توجه نمی‌کند - طبیعت را ماده خامی در اختیار انسان بداند.
- (۲) زیرا خداوندگاران آن‌ها اجازه دخل و تصرف در طبیعت به آن‌ها نداده‌اند - فرهنگی که اجازه بسط ابعاد دنیوی وجود انسان را نمی‌دهد - رویکرد دنیوی داشته باشد و هستی را فراتر از طبیعت نبیند.
- (۳) به دلیل طرد دانش ابزاری متناظر با طبیعت - فرهنگی که عقاید و ارزش‌های آن مربوط به همین جهان است - طبیعت را فاقد معنا، هدف و غایت بداند.
- (۴) زیرا در این جهان، طبیعت مقدس شمرده می‌شود - فرهنگی که از محدوده مرزهای این جهان عبور کند - طبیعت را مسخر انسان بداند.

۱۲۶- موارد زیر به ترتیب با چه موضوعی ارتباط دارند؟

- تسلط انسان بر این عالم
- ترسیم چهره آسمانی و ملکوتی برای انسان
- رشد علوم تجربی و فناوری حاصل از آن

- (۱) زوال عقلانیت ذاتی - فرهنگ اساطیری - غلبه کنش عقلانی معطوف به دنیا
- (۲) قفس آهنین از دیدگاه ماکس وبر - جهان اجتماعی دنیاگریز - طرد عناصر معنوی و مقدس
- (۳) فرهنگ اساطیری - فرهنگ توحیدی - افول روش‌های فراتجربی
- (۴) رویکرد دنیوی جهان متجدد - جایگاه انسان در جهان معنوی - گسترش عقلانیت ابزاری

۱۲۷- عبارت درست درباره ویژگی‌های جهان متجدد از نظر ماکس وبر، کدام است؟

- (۱) در جهان متجدد، کنش‌هایی که اهداف دنیوی را به وسیله علوم تجربی تعقیب می‌کنند به شدت رواج می‌یابند. رواج کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا، عرصه را بر سایر کنش‌های انسانی، مانند کنش‌های عقلانی و اخلاقی تنگ می‌کند.
- (۲) در جهان متجدد، به تدریج انسان‌ها اسیر نظام اجتماعی پیچیده‌ای می‌شوند که مثل قفس آهنین، همه ابعاد وجود آنان را احاطه می‌کند و فرصت‌هایی از این قفس خودساخته را از آنان می‌گیرد و اراده و آگاهی را از انسان‌ها می‌گیرد.
- (۳) در جهان متجدد، عناصر معنوی و مقدس طرد می‌شوند. جهان صرفاً از مواد و موجودات خامی ساخته شده است که در اختیار و کنترل بشرند، به وسیله او به کار گرفته می‌شوند، دگرگون می‌شوند، به مصرف می‌رسند و قداست ندارند.
- (۴) جهان متجدد فقط علمی را که با روش‌های فراتجربی به دست می‌آیند، علم می‌داند و علمی را که از روش‌های تجربی استفاده می‌کنند، علم نمی‌شناسد. با افول علوم عقلانی و وحیانی امکان ارزیابی آرمان‌های بشری از دست می‌رود.

۱۲۸- در جهان متجدد:

الف) کدام دسته از کنش‌ها، به شدت رواج می‌یابند؟

ب) کدام علوم افول می‌کنند؟

پ) چه عاملی منجر به از دست رفتن اراده و آزادی انسان‌ها می‌شود؟

- (۱) کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا - علوم عقلانی و وحیانی - قفس آهنین مورد نظر وبر
- (۲) کنش‌های عاطفی و اخلاقی - علوم فراتجربی - اسارت انسان در نظام اجتماعی پیچیده‌ای که در غرب شکل گرفته
- (۳) کنش‌های عقلانی و وحیانی - علوم تجربی - طرد عناصر مقدس و معنوی
- (۴) کنش‌های عقلانی معطوف به دنیا - علوم اخلاقی و فلسفی - گسترش عقلانیت ابزاری

۱۲۹- ابیات زیر به ترتیب، اشاره به چه مطالبی دارند؟

- «دگران کاشتند و ما خوردیم ما بکاریم و دیگران بخورند»
- «قوت افرنگ از علم و فن است از همین آتش، چراغش روشن است»
- «در نگاهش آدمی آب و گل است کاروان زندگی بی منزل است»

- (۱) تأثیرکنش‌های ارادی و آگاهانه انسان‌ها در ساختن جهان اجتماعی - زوال عقلانیت ذاتی - رویکرد دنیوی و این جهانی
 - (۲) سهم و نقش پیشینیان و معاصران در ساختن جهان اجتماعی - گسترش عقلانیت ابزاری - طرد عناصر معنوی و مقدس
 - (۳) پیامدها و الزام‌های جهان اجتماعی - رشد علوم تجربی و فناوری حاصل از آن - زوال عقلانیت ذاتی
 - (۴) فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی - تسلط انسان بر طبیعت و جامعه از طریق علوم تجربی - غلبه کنش‌های عقلانی معطوف به دنیا
- ۱۳۰- دورکیم کدام جوامع را دارای نظام تقسیم کار ساده و ابتدایی می‌داند؟ ماکس وبر از چه پدیده‌ای تعبیر به قفس آهنین می‌کند؟ چارلی چاپلین در فیلم عصر جدید چه چیزی را به تصویر می‌کشد؟

(ترکیبی با درس ۵)

- (۱) جوامع مکانیکی - گسترش عقلانیت ابزاری - طرد عناصر معنوی در جهان متجدد
 - (۲) جوامع ارگانیکی - افول علوم فراتجربی - اسارت انسان در نظام اجتماعی پیچیده
 - (۳) جوامع مکانیکی - نظام اجتماعی پیچیده جهان متجدد - انسان معاصر
 - (۴) جوامع ارگانیکی - رواج کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا - رویکرد دنیوی جهان متجدد
- ۱۳۱- به ترتیب، هر یک از موارد زیر نتیجه چیست؟

- از دست رفتن امکان ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری
- اسارت انسان در نظام اجتماعی پیچیده یا قفس آهنین وبری در جهان متجدد
- بحران‌های زیست‌محیطی

- (۱) رویکرد دنیوی و این جهانی جهان متجدد - رشد علوم تجربی و فناوری حاصل از آن - زوال عقلانیت ذاتی
 - (۲) طرد عناصر مقدس و معنوی - گسترش عقلانیت ابزاری - رویکردی که دانش ابزاری متناظر با طبیعت را طرد می‌کند.
 - (۳) گسترش عقلانیت ذاتی - تنگ‌شدن عرصه بر کنش‌های عاطفی و اخلاقی - طرد عناصر مقدس و معنوی
 - (۴) افول علوم فراتجربی - غلبه کنش‌های عقلانی معطوف به دنیا - رویکردی که طبیعت را فاقد معنا، هدف و غایت می‌داند.
- ۱۳۲- جدول زیر را کامل کنید.

فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متجدد	پیامد
«پ»	سپرده‌شدن داوری درباره ارزش‌ها و آرمان به تمایلات افراد و گروه‌های متفرق
رویکردی دنیوی به عالم	«الف»
«ب»	قرارگرفتن همه جهان در اختیار و کنترل انسان

- (۱) رشد علوم تجربی و فناوری حاصل از آن - رواج کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا - افول علوم تجربی
- (۲) زوال عقلانیت ذاتی - گسترش عقلانیت ابزاری - طرد عناصر معنوی و مقدس
- (۳) گسترش عقلانیت ابزاری - طرد عناصر معنوی و مقدس - افول روش‌های عقلانی و وحیانی
- (۴) تسلط انسان بر طبیعت و جامعه - زوال معنا - تنگ‌شدن عرصه بر کنش‌های عاطفی و اخلاقی

۱۳۳- موارد زیر به ترتیب با کدام مفاهیم ارتباط دارند؟

- دانش وسایل

- دانش اهداف و ارزش‌ها

- پدیده‌های فراتجربی که با علوم تجربی قابل مطالعه نیستند.

- (۱) عقلانیت ابزاری - عقلانیت ذاتی - ارزش‌ها و آرمان‌های بشری
- (۲) علوم طبیعی - علوم تجربی - عناصر مقدس و معنوی
- (۳) عقلانیت ذاتی - عقلانیت ابزاری - کنش‌های عاطفی و اخلاقی
- (۴) معرفت تجربی - معرفت فراتجربی - کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا

۱۳۴- موارد زیر مربوط به کدام ویژگی‌های جهان متجدد هستند؟

- استفاده از حسابداری و اقتصاد برای تخمین سود در بنگاه‌های اقتصادی

- تسلط انسان بر این عالم

- پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث طبیعی

- (۱) گسترش عقلانیت ابزاری - طرد عناصر معنوی و مقدس - رشد علوم تجربی و فراتجربی
- (۲) غلبه و رواج کنش‌های عقلانی معطوف به دنیا - رویکرد دنیوی به عالم - گسترش عقلانیت ابزاری
- (۳) رشد علوم تجربی و فناوری حاصل از آن - قفس آهنین وبری - زوال عقلانیت ذاتی
- (۴) رویکرد دنیوی به عالم - گسترش عقلانیت ابزاری - افول روش‌های فراتجربی

۱۳۵- به ترتیب، منظور از کنش‌های عقلانی معطوف به اهداف دنیوی، عقلانیت ابزاری و عقلانیت ذاتی چیست؟ (سراسری ۹۲- با اندکی تغییر)

(۱) آدمیان برای رسیدن به اهداف دنیوی از علوم تجربی استفاده می‌کنند - علوم تجربی قدرت پیش‌بینی و پیشگیری حوادث و مسائل طبیعی را به انسان می‌دهد - درباره ارزش‌ها و اهداف زندگی به تأمل می‌پردازد.

(۲) علوم تجربی قدرت پیش‌بینی و پیشگیری حوادث و مسائل طبیعی را به انسان می‌دهد - درباره ارزش‌ها و اهداف زندگی به تأمل می‌پردازد - جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم از موجودات و مواد خامی ساخته شده است که همه در اختیار و کنترل بشرند.

(۳) آدمیان برای رسیدن به اهداف دنیوی از علوم تجربی استفاده می‌کنند - درباره ارزش‌ها و اهداف زندگی به تأمل می‌پردازد - جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم از موجودات و مواد خامی ساخته شده است که همه در اختیار و کنترل بشرند.

(۴) علوم تجربی قدرت پیش‌بینی و پیشگیری حوادث و مسائل طبیعی را به انسان می‌دهد - جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم از موجودات خامی ساخته شده است که همه در اختیار و کنترل بشرند - درباره ارزش‌ها، آرمان‌ها و اهداف زندگی به تأمل می‌پردازد.

۱۳۶- تازمانی که یک جهان اجتماعی پابرجاست، پیامدهای ضروری و الزامی آن باقی است. با تغییر جهان اجتماعی موجود در پی آن، جهان اجتماعی جدیدی شکل خواهد گرفت و الزام‌های دیگری به دنبال می‌آورد که بر تأثیر می‌گذارد. (سراسری ۹۳- با اندکی تغییر)

(۱) از طریق مشارکت اجتماعی افراد - تغییر ارزش‌ها و هنجارهای آن - جهان‌های اجتماعی دیگر

(۲) از طریق مشارکت اجتماعی افراد - برداشته شدن الزام‌های آن - فعالیت اجتماعی اعضای آن

(۳) بر پایه ارزش و هنجارهای خود - تغییر ارزش‌ها و هنجارهای آن - دگرگونی و گسترش جهان اجتماعی

(۴) براساس آگاهی و اراده افراد - برداشته شدن الزام‌های آن - بسط و گسترش جهان‌های اجتماعی دیگر

۱۳۷- کدام یک در ارتباط با جهان اجتماعی درست است؟ (سراسری ۹۴- ترکیبی با درس ۳)

(۱) جهان اجتماعی مانند موجودات زنده دارای اعضای مختلفی است که از نوعی نظم برخوردار بوده و پدیده‌ای تکوینی و اعتباری است.

(۲) جهان اجتماعی و نظم آن، تکوینی است و با آگاهی و اراده انسان شکل می‌گیرد و انسان‌ها با پذیرش و قبول عضویت به جهان اجتماعی وارد می‌شوند.

(۳) جهان اجتماعی پس از آن که با کنش انسان تحقق پیدا کرد، پیامدها و الزام‌هایی را به دنبال می‌آورد که به اعتبار و اراده انسان بستگی دارد.

(۴) آگاهی و شناختی که جهان اجتماعی براساس آن شکل می‌گیرد نوعی آگاهی مشترک و عمومی است و در صورت عدم انتقال فرهنگ به نسل بعد، جهان اجتماعی فرومی‌ریزد.

۱۳۸- جهان اجتماعی جدید چگونه شکل می‌گیرد و ساختن جهان جدید نیازمند چیست و چگونه یک جهان اجتماعی به جهان اجتماعی دیگر تبدیل می‌شود؟ (سراسری ۹۷- ترکیبی با درس ۵)

(۱) با شکل‌گیری هنجارها و نمادهای جدیدی - بسط افق‌ها و ظرفیت‌های جدید - تفاوت‌هایی که به ارزش‌های کلان بازمی‌گردد.

(۲) با تغییر جهان اجتماعی موجود و تثبیت الزام‌های آن - شکوفایی سطوح مختلف عقلانیت - با هر تغییری که در زندگی اجتماعی رخ می‌دهد.

(۳) از بستر اعتبار و خواسته‌های آدمیان - ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌ها - وجود تفاوت‌هایی که در هنجارها و نمادها در درون یک جهان اجتماعی واحد رخ می‌دهد.

(۴) با تغییر جهان اجتماعی موجود و برداشته شدن الزام‌های آن - گسترش معرفت و آگاهی و اراده‌ای نوین - توسط تفاوت‌هایی که به عناصر عمیق و محوری جهان اجتماعی بازمی‌گردد.

۱۱۴-گزینۀ «۱» جهان اجتماعی در قالب فرصت‌ها و محدودیت‌ها (بایدها و نبایدها) تحقق می‌یابد. منظور از جهان متجدد، غرب بعد از رنسانس، یعنی جهان غرب چهارصد سال اخیر است. ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای جهان متجدد برشمرده است.

۱۱۵-گزینۀ «۴» جهان‌های اجتماعی را براساس فرهنگ آن‌ها به دو نوع دنیوی و معنوی تقسیم می‌کنند. خدا زندگی انسان‌هایی را که غیر خدا را به دوستی و سرپرستی می‌گیرند، همچون کسانی می‌داند که به خانه سستی همچون خانه عنکبوت پناه برده‌اند. رابطه دوسویۀ پدیده‌های اجتماعی نظم و آزادی از پیامدهای الزامی هر جهان اجتماعی است.

۱۱۶-گزینۀ «۲» جهان‌های اجتماعی دنیاگریز، مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می‌شوند و نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان بی‌توجه هستند و با رویکرد دنیاگریز خود از توانمندی‌های آدمی برای آبادکردن این جهان استفاده نمی‌کنند.

جهان اجتماعی دنیوی و سکولار، استعدادها و سرمایه‌های معنوی انسان را نادیده می‌گیرند یا فرصت شکوفایی فطرت آدمی را فراهم نمی‌آورند. جهان اساطیری، طبیعت را قلمرو قدرت‌های فوق طبیعی و محصور رازها و افسون‌های آن‌ها می‌بیند و با طرد دانش ابزاری متناظر با طبیعت، امکان بهره‌وری معقول انسان از طبیعت را دور از دسترس می‌سازد.

بررسی سایرگزینۀها: گزینۀ (۱): دنیاگریز - دنیاگریز - دنیوی / گزینۀ (۳):

دنیوی - اساطیری - اساطیری / گزینۀ (۴): اساطیری - دنیوی - دنیوی

۱۱۷-گزینۀ «۳» رویکرد جهان اساطیری به طبیعت و چگونگی تعامل با آن: الف - طبیعت را قلمرو قدرت‌های فوق طبیعی و محصور رازها و افسون‌های آن‌ها می‌بیند. ب - دانش ابزاری متناظر با طبیعت را طرد می‌کند. پ - امکان بهره‌وری معقول انسان از طبیعت را دور از دسترس می‌سازد.

رویکرد توحیدی به طبیعت: الف - طبیعت موجودی زنده و آیت و نشانه خداوند حکیم است. ب - طبیعت به خواست خداوند، مسخر انسان است. پ - انسان خلیفۀ الهی و مسئول عمران و آبادانی طبیعت است. ت - تصرفات انسان در طبیعت، مقید به ارادۀ حکیمانه الهی است.

رویکرد جهان اجتماعی دنیوی به طبیعت: الف - طبیعت هیچ‌گونه معنا، هدف و غایتی ندارد. ب - طبیعت صرفاً ماده خامی در اختیار انسان است. پ - انسان می‌تواند به میل خود در طبیعت دخل و تصرف کند. ت - بهره‌وری‌های بی‌نظیر کنونی و بحران‌های زیست‌محیطی کنونی در دنیا محصول همین دیدگاه است.

بررسی سایرگزینۀها: گزینۀ (۱): دنیوی - توحیدی - اساطیری / گزینۀ (۲):

اساطیری - دنیوی - دنیوی / گزینۀ (۴): توحیدی - اساطیری - توحیدی

۱۱۸-گزینۀ «۴» نادرست - درست؛ جهان‌های اجتماعی دنیوی و سکولار (نه دنیاگریز) فرصت شکوفایی فطرت آدمی را فراهم نمی‌آورند.

بررسی سایرگزینۀها: گزینۀ (۱): نادرست - نادرست؛ در جهان‌های اجتماعی دنیاگریز به استعدادها و ظرفیت‌های دنیوی (نه معنوی) انسان‌ها توجه نمی‌شود. در جهان‌های اجتماعی دنیوی از توانمندی‌های انسان برای آبادکردن این جهان استفاده می‌شود، چون رویکرد دنیوی و این جهانی دارند، ولی در جهان‌های اجتماعی دنیاگریز به این توانمندی‌ها توجه نمی‌شود. / گزینۀ (۲): نادرست - نادرست؛ انحراف از فرهنگ توحیدی، ویژگی جهان اساطیری است. (البته برخی از جهان‌های اساطیری رویکرد دنیاگریز دارند) جهان اجتماعی دنیوی به ظرفیت‌ها و خواسته‌های معنوی انسان توجه نمی‌کند. / گزینۀ (۳): درست - نادرست؛ جهان‌های اجتماعی دنیوی به نیازهای مادی و دنیوی انسان توجه می‌کنند.

۱۱۱-گزینۀ «۲» جهان اجتماعی قبل از تولد ما توسط دیگران

ساخته شده است و ما نمی‌توانیم هرگونه که بخواهیم آن را بسازیم یا تغییر بدهیم، ولی می‌توانیم در گسترش و تداوم آن سهیم باشیم.

۱۱۲-گزینۀ «۴» پیامدهای جهان اجتماعی، موقعیت جدیدی

(فرصت‌ها و محدودیت‌ها) را برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی انسان فراهم می‌کند. درست است که جهان اجتماعی که ما در آن متولد می‌شویم توسط پیشینیان ما ساخته شده است، اما هر یک از ما در برابر نتایج کنش گذشتگان صرفاً کنشگری منفعل و مجبور نیستیم، بلکه می‌توانیم یا در جهت تداوم، گسترش و پیشرفت این جهان حرکت کنیم یا در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدیدی گام برداریم.

۱۱۳-گزینۀ «۳» هر جهان اجتماعی از طریق مشارکت اجتماعی

افراد پابرجاست. ساختن جهان اجتماعی جدید نیازمند پیدایش و گسترش آگاهی و اراده‌ای نوین است. هر جهان اجتماعی، پیامدها و الزام‌هایی به دنبال می‌آورد که این پیامدها خود، موقعیتی جدید یا فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی ما فراهم می‌آورد.

۱۱۹-گزینۀ «۱» فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی به صورت حقوق و تکالیف ظاهر می‌شوند. فرهنگ اساطیری به قدرت‌های فوق طبیعی قائل است و منع انسان از تناول و خوردن گیاهان و حیوانات نمونه‌ای از محدودیت‌های فرهنگ اساطیری است.

۱۲۰-گزینۀ «۲» در جهان اجتماعی دنیوی از توانمندی‌های آدمی برای آباد کردن این جهان استفاده می‌شود.

۱۲۱-گزینۀ «۳» در فرهنگ سکولار و دنیوی، جهان دیگر یا انکار می‌شود یا در محدوده منافع که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود. جهان معنوی (توحیدی و اساطیری)، زندگی این جهان را در سایه حیات برتر، مقدس و متعالی می‌گرداند.

بهره‌وری‌های بی‌نظیر کنونی از طبیعت، محصول فرهنگ دنیوی و سکولار هستند. جهان‌های اجتماعی که رویکرد دنیاگرای دارند، مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می‌شوند.

۱۲۲-گزینۀ «۴» **بررسی سایرگزینیه‌ها:** گزینۀ (۱): اساطیری - دنیوی - اساطیری - دنیوی / گزینۀ (۲): اساطیری - توحیدی - معنوی - دنیوی / گزینۀ (۳): اساطیری - معنوی - دنیوی - دنیوی

۱۲۳-گزینۀ «۱» جهان اساطیری با طرد دانش ابزاری متناظر با طبیعت (قبول‌نداشتن علوم تجربی)، امکان بهره‌وری معقول انسان از طبیعت را دور از دسترس می‌سازد.

در جهان اجتماعی دنیاگرای، ابعاد دنیوی وجود انسان بسط نمی‌یابد. بحران‌های زیست‌محیطی نتیجه و محصول فرهنگ سکولار و دنیوی است.

۱۲۴-گزینۀ «۲» عبارت اول درست نیست. پیامدها و الزام‌های جهان اجتماعی وابسته به قرارداد و اراده انسان‌ها نیست.

عبارت سوم درست نیست. در جهان توحیدی، تصرفات انسان در طبیعت مقید به اراده حکیمانه الهی است.

۱۲۵-گزینۀ «۳» جهان اساطیری به دلیل طرد دانش ابزاری متناظر با طبیعت، امکان بهره‌وری معقول انسان از طبیعت را دور از دسترس می‌سازد. منظور از فرهنگ سکولار، فرهنگی است که عقاید و ارزش‌های آن مربوط به همین جهان است. در جهان اجتماعی دنیوی، طبیعت هیچ‌گونه معنا، هدف و غایتی ندارد، طبیعت صرفاً ماده خامی در اختیار انسان است و او می‌تواند به میل خود در آن دخل و تصرف کند.

۱۲۶-گزینۀ «۴» جهان متجدد، رویکرد دنیوی و این جهانی دارد و در جهت برخورداری از زندگی دنیوی و تسلط انسان بر این عالم گام برمی‌دارد. انسان در فرهنگ معنوی از محدوده مرزهای این جهان عبور کرده و چهره‌ای آسمانی و ملکوتی پیدا می‌کند. رشد علوم تجربی و فناوری حاصل از آن برای تسلط بر طبیعت و جامعه را «گسترش عقلانیت ابزاری» می‌گویند.

۱۲۷-گزینۀ «۳» **بررسی سایرگزینیه‌ها:** گزینۀ (۱): در جهان متجدد عرصه بر کنش‌های عاطفی (نه عقلانی) و اخلاقی تنگ می‌شود. / گزینۀ (۲): نظام اجتماعی پیچیده‌ای که در جهان متجدد انسان را به اسارت خود درمی‌آورد، اراده و آزادی (نه آگاهی) انسان را از او می‌گیرد. / گزینۀ (۴): در جهان متجدد فقط علوم تجربی (نه فراتجربی) علم دانسته می‌شود و علوم فراتجربی (عقلانی و وحیانی)، علم شناخته نمی‌شوند.

۱۲۸-گزینۀ «۱» در جهان متجدد، کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا به شدت رواج می‌یابند. در این جهان، فقط علوم تجربی (نه فراتجربی) علم دانسته می‌شود و علوم فراتجربی (عقلانی و وحیانی)، علم شناخته نمی‌شوند. با افول این دسته از علوم، امکان ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری از دست می‌رود. رواج کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا و عدم توجه به کنش‌های اخلاقی و عاطفی به تدریج انسان‌ها را اسیر نظام اجتماعی پیچیده‌ای می‌سازد که مثل قفس آهنین، همه ابعاد وجود آنان

را احاطه می‌کند و فرصت‌هایی از این قفس خودساخته را از آنان می‌گیرد. از این روند به از دست رفتن اراده و آزادی انسان‌ها یاد می‌شود.

۱۲۹-گزینۀ «۲» بیت: «دگران کاشتند و ما خوردیم / ما بکاریم و دیگران بخورند» به سهم و نقش همه انسان‌ها، اعم از پیشینیان و معاصران در ساختن جهان اجتماعی اشاره دارد.

بیت: «قوت افرنگ از علم و فن است / از همین آتش، چراغش روشن است» بیانگر رشد علوم تجربی و فناوری حاصل از آن یا گسترش عقلانیت ابزاری است. بیت: «در نگاهش آدمی آب و گل است / کاروان زندگی بی منزل است» قداست‌زدایی موجود در جهان غرب می‌پردازد و این که در این جهان، عناصر معنوی و مقدس طرد می‌شوند؛ بنابراین در جهان متجدد، انسان و جهان هستی فاقد معنا، هدف و غایت پنداشته می‌شوند.

۱۳۰-گزینۀ «۳» دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، حرکت جوامع بشری را به دو مقطع تقسیم می‌کند: جوامع مکانیکی که در آن تقسیم کار یا وجود ندارد یا بسیار ساده و ابتدایی است. جوامع ارگانیکی که تقسیم کار در آن گسترده است. ماکس وبر از نظام اجتماعی پیچیده‌ای که در جهان متجدد شکل گرفته است و انسان را به اسارت خود درآورده است و اراده و آزادی انسان را از او گرفته است، تعبیر به قفس آهنین می‌کند.

چارلی چاپلین در فیلم عصر جدید، انسان معاصر را به تصویر می‌کشد.

۱۳۱-گزینۀ «۴» با افول علوم فراتجربی (علوم عقلانی و وحیانی) امکان ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری از دست می‌رود. از نظر ماکس وبر با غلبه کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا و تنگ‌شدن عرصه بر کنش‌های عاطفی و اخلاقی، انسان‌ها اسیر نظام اجتماعی پیچیده‌ای می‌شوند که مثل قفس آهنین همه ابعاد وجود آن‌ها را احاطه می‌کند. در جهان اجتماعی دنیوی، طبیعت هیچ‌گونه معنا، هدف و غایتی ندارد و صرفاً ماده خامی در اختیار انسان است که می‌تواند به میل خود در آن دخل و تصرف کند. بهره‌وری‌های بی‌نظیر و بحران‌های زیست‌محیطی کنونی در دنیا محصول همین دیدگاه است.

۱۳۲-گزینۀ «۳» **الف- رویکرد دنیوی به عالم** در جهان متجدد موجب رشد علوم تجربی و فناوری‌های حاصل از آن یا گسترش عقلانیت ابزاری (و همچنین تسلط انسان بر طبیعت و جامعه) گردید. / **ب-** در جهان متجدد، عناصر معنوی و مقدس طرد می‌شوند. جهان صرفاً از مواد و موجودات خامی ساخته شده است که همه در اختیار و کنترل بشرند، به وسیله او به کار گرفته می‌شوند، دگرگون می‌شوند، به مصرف می‌رسند و هیچ‌گونه قداستی ندارند. / **پ-** با افول علوم فراتجربی، امکان ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری از دست می‌رود و داوری درباره این امور به تمایلات افراد و گروه‌های متفرق سپرده می‌شود. از این روند به زوال معنا و زوال عقلانیت ذاتی یاد می‌شود.

۱۳۳-گزینۀ «۱» به دانش وسایل، عقلانیت ابزاری و دانش اهداف و ارزش‌ها، عقلانیت ذاتی می‌گویند. ارزش‌ها و آرمان‌های بشری که پدیده‌های فراتجربی هستند با علوم تجربی قابل مطالعه نیستند.

۱۳۴-گزینۀ «۲» در جهان متجدد، کنش‌هایی که اهداف دنیوی را به وسیله علوم تجربی تعقیب می‌کنند (کنش‌های عقلانی و حسابگرانه معطوف به دنیا) به شدت رواج می‌یابند؛ مانند استفاده از حسابداری و اقتصاد برای تخمین سود در بنگاه‌های اقتصادی یا استفاده از علوم مهندسی برای ساختن پل، جاده و ...

جهان متجدد، رویکرد دنیوی و این جهانی دارد و در جهت برخورداری از زندگی دنیوی و تسلط انسان بر این عالم گام برمی‌دارد.

علوم تجربی با روش تجربی و فناوری حاصل از آن (عقلانیت ابزاری)، قدرت پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث و مسائل طبیعی همانند بیماری، زلزله، سیل و ... و مسلط‌شدن بر آن‌ها را به انسان می‌دهد.

۱۳۵-گزینۀ «۱» در جهان متجدد، کنش‌هایی که اهداف دنیوی

را به وسیلهٔ علوم تجربی تعقیب می‌کنند به شدت رواج می‌یابند، به این کنش‌ها، کنش‌های عقلانی یا حسابگرانهٔ معطوف به اهداف دنیوی می‌گویند. رشد علوم تجربی و فناوری حاصل از آن برای تسلط بر طبیعت و جامعه را «گسترش عقلانیت ابزاری» می‌گویند. علوم تجربی با روش تجربی و فناوری حاصل از آن، قدرت پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث و مسائل طبیعی همانند بیماری، زلزله، سیل و ... و مسلط‌شدن بر آن‌ها را به انسان می‌دهد. عقلانیت ذاتی، دانش اهداف و ارزش‌ها است.

۱۳۶-گزینۀ «۲» تا زمانی که یک جهان اجتماعی از طریق مشارکت

اجتماعی افراد پابرجاست پیامدهای ضروری و الزامی آن باقی است. با تغییر جهان اجتماعی موجود و در پی آن، برداشته‌شدن الزام‌های آن، جهان اجتماعی جدیدی شکل خواهد گرفت و الزام‌های دیگری به دنبال می‌آورد که بر فعالیت اجتماعی اعضای آن تأثیر می‌گذارد.

۱۳۷-گزینۀ «۴» پیامدهای جهان اجتماعی وابسته به قرارداد و ارادهٔ

تک‌تک افراد نیست.

۱۳۸-گزینۀ «۴» جهان اجتماعی با آگاهی و ارادهٔ افراد انسانی

پدید می‌آید. ساختن جهان اجتماعی جدید نیازمند آگاهی و اراده‌ای نوین است و ممکن است جهان موجود از بسط آن جلوگیری کند. تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های عمیق جهان اجتماعی و عناصر محوری باشد، آن را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کند. (دس، ۵)